



رضانشاری

کارشناس حقوق بین‌الملل

این قسمتی از مقاله‌ای است که سال گذشته همراه با دکتر حسین موسویان در مجله لوبلاگ منتشر کردیم. با توجه به وضعیت کنونی افغانستان، یادآوری این نکات به مخاطبان بین‌المللی – به ویژه از جانب دستگاه دیپلماسی کشور لازم به نظر می‌رسد. آن‌طور که جیمز دابینز فرستاده ویژه دولت بوش در مورد افغانستان اذعان داشته است، به واقع «بر خلاف باور عمومی، اینطور نبود که آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر یک ائتلاف تشکیل دهد و به‌واسطه آن طالبان را شکست دهد. دقیق‌تر این است که بگوئیم آمریکا به ائتلافی پیوست که از چند سال قبل، اواسط دهه ۱۹۹۰، به همین منظور تشکیل شده بود». آن ائتلاف نیز به اعتراف فرستاده ویژه آمریکا همان ائتلافی بود که ایران نه تنها تشکیل داده بود، بلکه از سال‌ها قبل حمایت لجستیکی، مالی و سیاسی آن را نیز بر عهده گرفته بود تا به‌وسیله ۱۵ هزار نیروی پیکارجوی آن (نیروی موسوم به ائتلاف شمال) رژیم طالبان-القاعده را سرنگون کند. باز هم به اعتراف دولت آمریکا، خروج از انسداد «سیاسی» در کنفرانس بین‌المللی نیز کم در بحیوحه عملیات نظامی در مورد آینده افغانستان تشکیل شده بود و نمی‌توانست به جمع‌بندی برسد فقط با مساعدت و ابتکار عمل فرستاده ویژه ایران فردی به نام محمد جواد طریف – مسیر شد. نماینده آمریکا در مورد آن جلسه می‌نویسد: «ظریف از جای خود بلند شد. پوئس قانونی نماینده هیات ائتلاف شمال را به گوشه‌ای از اتاق فرخواند؛ حدود یک دقیقه به آرامی با او صحبت کرد و آقای قانونی بر سر میز مذاکره برگشت و بی درنگ پذیرفت دو پست مهم وزارتی را برای خروج از انسداد سیاسی واگذار کند». در واقع، همراهی او که صرفاً بامیانجی‌گری ظریف ممکن شد عاملی بود که باعث شد دولت موقت تشکیل شود و حامد کارزای به جانشینی طالبان سکان دولت جدید افغانستان را در دست بگیرد. در دورانی که بحث از آغاز جنگ در افغانستان بود، یکی از دוגنارنده این متن (سیدحسین موسویان) ریاست کمیته روابط خارجی شورای عالی امنیت ملی ایران را بر عهده داشت. در آن زمان، این کمیته آنطور که او شاهد است ساعات طولانی در مورد سود و زیان همکاری با آمریکا برای شکست طالبان در افغانستان به بحث و گفت‌وگو می‌نشست. در این جلسات، با وجود همه خاطرات تلخ و سوابق سیاه آمریکا در ایران، بسیاری از مقامات تهران –از جمله برخی فرماندهان سپاه پاسداران این باور بودند که ایران می‌تواند همکاری با آمریکا و اعتماد به این کشور را در این مقطع خاص به یونه آزمایش بگذارد. نهایتاً تصمیم این شد که اگر تجربه همکاری موفقیت‌آمیز بود –و آمریکا از آزمون خود سربلند بیرون آمد ایران به‌زعم مقامات عالی تهران تا پاسکازی کامل عناصر تروریستی از افغانستان و ایجاد ثبات در آن کشور به این همکاری ادامه دهد؛ و از آن پس از این تجربه احیاناً به عنوان یک الگو یا نقشه راه برای حل و فصل مسائل امنیتی مشابه در منطقه استفاده کند، اما دولت بوش همکاری و محسن مشابه را با قرار دادن این کشور در «محور خشن‌شراوت» پاسخ داد. طبیعتاً ایران نیز آمریکا را با «عضل افغانستان» خود تنها گذاشت. وضعیت کنونی افغانستان محصول مستقیم این خطای بزرگ آمریکاست.

دیدگاه

تعارض منافع» مارا به خاک سیاه می‌نشاند

ادامه از صفحه یک

منافع را می‌توان پیش از این گسترش داد و دید که: پزشکان که اکثریت مدیران ارشد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را در اختیار دارند، وقتی درباره تعرفه خدمات پزشکی و اجر اشدن یا نشدن برخی قوانین تصمیم می‌گیرند، در اصل درباره منافع جاری یا اتی خودشان تصمیم می‌گیرند. تصمیم‌گیری درباره اجرای قانون پزشک خانواده یا نظام ارجاع، که در نظام‌های سلامت دنیا به عنوان ابزارهای ارتقای بهداشت، کاهش هزینه‌ها و افزایش عدالت بین کادرهای درمانی تلقی می‌شود، در تعارض با منافع پزشکان متخصص بوده و بدیهی است اگر این دسته از پزشکان تصمیم گیر باشند، در موقعیت اجرایی‌کردن قانون پزشک خانواده و نظام ارجاع در تعارض منافع قرار دارند. میزان تعارض منافع در نظام پزشکی بسیار فراغ از مورد طرح شده است. تعارض منافع را می‌توان که این موارد نیز مشاهده کرد: وقتی شرکت‌های مهندسی و پیمانکاری عملاً دولتی یا خصولتی درباره طراحی و اجرای پروژه‌های عمرانی تصمیم می‌گیرند؛ و وقتی سیاستمداران درباره سیاست‌ها، برنامه‌ها یا اقداماتی که به زیان خود این دسته تصمیم می‌گیرند (مثل وقتی سیاستمداران بخواهند درباره قطع بارانه ثروتمندان تصمیم بگیرند)، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق تعارض منافع زمانی بروز می‌کند که سیاستمداران بخواهند درباره اختیارهای خود تصمیم بگیرند. برای مثال، قانون توزیع عادلانه آب در ایران، اختیارات بسیار گسترده‌ای به وزارت نیرو برای دخل‌و تصرف در منابع آبی کشور داده است. بسیاری معتقدند همین اختیارات مسبب بسیاری از مصائب و پدیدایش مشکلات حاد مدیریت منابع آب در ایران است. تصور کنید اصلاح این وضعیت مستلزم سلب بخشی از این اختیارات و وزارت نیرو نیز تدوین‌کننده لایحه قانون جامع مدیریت منابع آب در ایران باشد. بدیهی است منافع ناشی از داشتن اختیارات گسترده و ضرورت سلب بخشی از اختیارات، تعارض عمیقی ایجاد می‌کند. مدیران ارشد دولتی در شرایط عادی تن به سلب هیچ یک از اختیارات یا منافع خود نمی‌دهند تا حدی از همین‌روست که مردم احساس می‌کنند در بهای تغییر دولت‌ها تفاوت محسوسی در روندها ایجاد نمی‌شود. هر مدیری – متعلق به هر جناحی – در نهایت باید درباره چشم پوشیدن از منافی تصمیم بگیرد که خود در کوتاهمدت یا بلندمدت صاحب آن منافع است. مسأله حقوق‌های نجومی نمونه بارز چنین وضعیتی بود. دولتی‌ها درخصوص میزان حقوق خود تصمیم گرفته بودند. مسیر آینده ایران و از بین «عبرت تاریخ‌شدن» یا «از تاریخ عبرت گرفتن» کدام را انتخاب کنیم و در پیش بگیریم، تا اندازه زیادی تابع غلبه جامعه، سیاست و اقتصاد ایران بر «تعارض منافع» است. تقلانیت سودجوی کوتاه‌مدت‌نگر بر تداوم تعارض منافع اصرار می‌ورزد و راه تباهی می‌پیماییم؛ و عقلانیت جوهری بلندمدت‌نگر ما را به گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر درباره تعارض منافع و راه‌های غلبه بر آن فرامی‌خواند. یک دستور کار اصلاح‌طلبی می‌تواند بررسی مصادیق تعارض منافع در نظام تصمیم‌گیری و اجرا در ایران باشد.

محسن جلیلوند در گفت وگو با «آرمان ملی»:

طوایف در

سیاست افغانستان

تصمیم ساز هستند

◀ **طالبان از دل همین ساختار پدید آمده است، آمریکا هم با طوایف**

مذاکره می‌کند؛ البته نه با هدف قطع بر خوردهای نظامی

◀ **آمریکا در صدد مذاکره با طالبان است نه جنگ**



آرمان ملی: مردم افغانستان در سال‌های اخیر با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند. در هفته‌های اخیر طالبان با حمله‌های وسیعی بسیاری از ولایت‌های افغانستان را تسخیر کرده است و بسیاری از مردم به سمت مرزهای کشورهای همسایه از جمله ایران سرازیر شدند. سوال اینجاست که چرا مردم افغانستان در مواقع مختلف تحت فشار بوده و رنگ آرامش نمی‌بینند؟ چرا این روزهای تاریک برای مردمان افغانستان تمام نمی‌شود و از همه مهمتر ایران و آمریکا چه واکنش‌هایی نسبت به تسخیر ولایت‌های افغانستان توسط طالبان دارند. در همین رابطه محسن جلیلوند تحلیلگر مسائل بین الملل با «آرمان ملی» به گفت و گو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

تا وحشی‌گری‌های آنان در جهان به نام اسلام تمام نشود. اگر امروز آن شهید در قید حیات بود، به کمک شیعیان هزاره نمی‌رفت؟ آیا در مقابل نسل‌کشی شیعیان سکوت می‌کرد؟ آیا در مقابل پیشروی نظامی طالبان و داعش در افغانستان، لشگر کشی نمی‌کرد و لشگر فاطمیون را به کمک مردم افغانستان نمی‌برد؟ شیرزنان افغانستان که امروز خود دست به اسلحه برده، همواره فکر می‌کنند دولتی اسلامی در همسایگی آنان است که پیش از این هم با آنها همکاری داشتند و عملکرد حکومت متحجر طالبان را سرنگون کرده بودند. پس از غلبه طالبان، نیروهای نظامی مخالف طالبان در شمال افغانستان را رهبری می‌کرد. سرانجام مسعود در روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۰ (دو روز پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر)، بر اثر انفجار در خواجه بهاءالدین ولایت تخرار افغانستان کشته شد. هدف برخی یهبران جهادی در افغانستان از قدرت و حکومت، تشکیل یک ساختار دزد سالار است و خواسته‌های مردم هیچ اهمیتی برای آنها ندارد. طالبان از پشتون‌های افغانستان هستند و احساس می‌شود که خود ملت افغانستان هم طلبه این هستند که به طالبان نزدیک شوند.

◀ **همه مردم افغانستان تمایل به حکومت طالبان دارند؟**

این موضوع البته مطلق نیست و درباره همه مردم افغانستان صدق نمی‌کند. بسیاری از مردم هستند که علاقه‌ای به طالبان ندارند و حتی از ترس طالبان به کشورهای دیگر فرار کرده‌اند. **ایران در مواجهه با اتفاقات اخیر افغانستان و عملکرد طالبان مسیری را طی کرد که مستحکوم به بی‌عدالتی و ضربه به مردم این کشور نشود. از سوی دیگر رابطه طالبان با ایران در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی بوده است. نظر شما درباره چگونگی موضع‌گیری ایران در قبال طالبان چیست؟**

ایران با طالبان روابط خود را بهبود بخشیده و حتی آنها در مدت اخیر چند بار برای مذاکره با جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده‌اند. در زمان حضور طالبان در ایران، آقای طریف طالبان را نیروی جهادی نامید و از آنها حمایت کرد. طالبان قول داد که به کنسولگری ایران کاری نداشته باشد و از امنیت سفرای سایر کشورها حمایت کند. ایران در حال حاضر از نظر ساختاری در این اندیشه است که اگر روابط خود را با طالبان در عین حفظ حقوق ملت افغان، بهبود بخشد، منافع ملی اش بهتر حفظ خواهد شد. قطعاً منافع ملی ایران بر همه مسائل را حرجیت دارد. البته تصور نمی‌کنم این توجه به نگرش طالبان به جهان و نگاهی که این گروه به دنیا دارند، بتوان به راحتی رفتارهای این گروه را تأیید کرد.

◀ **چه دلایلی دارد که برخی کشورهای منطقه در مقابل حمله طالبان به افغانستان سکوت کرده‌اند؟**

مردم افغانستان که رنج دوران طالبان و حکومت متحجر آنان را یاد نبرده‌اند، خود دست به اسلحه برده و از شهر و روستای خود دفاع می‌کنند. به‌جای سکوت، باید به طرفداری از مردم افغانستان بشتابیم و حداقل از نظر روانی نشان دهیم در غیاب نیروهای ناتو در کنار مردم افغانستان قرار داریم تا ارگان‌های دولتی این کشور یکی بعد از دیگری در قبال مقاومت در برابر طالبان، سست نشوند و خود را از ترس جان، تسلیم طالبان نسازند. مردم ایران در قبال تهدات سردار سلیمانی ایستادند و ایشان را مورد تکریم قرار دادند، چراکه اولاً شهید سلیمانی اسطوره مقاومت بود و دستش به خون مردم آغشته نبود. ثانیاً، برچم پرافتخار مبارزه با افرافطی‌گری و جنایت داعش را در عراق و سوریه برپا و این گروه جنایتکار را قلع و قمع کرد

عزت‌ا... یوسفیان ملادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ادعای زاکانی برای حفظ دفتر قم یک تعارف است

◀ **زاکانی باید از مردم قم کسب اجازه می‌کرد اما نکرد**

مثبت به استعفا‌ی آقای زاکانی نیز بالا بوده است. فشار بر نمایندگان زمانی معنا پیدا می‌کند که رای آنها شفاف باشد. اما از سوی دیگر فشارهایی چون زدن برچسب‌های نادرست بر نمایندگان‌گی که تمایل به رای منفی داشته‌اند، صحیح نیست، چراکه تصمیمات نمایندگان را باید به اختیار خودشان واگذار کنند. در قانون اساسی و قانون آیین نامه داخلی آورده شده که نمی‌توان نماینده را به دلیل رای‌ی که داده است و یا تطقی که کرده مورد سوال یا تعقیب قرار داد. اما به هر حال به نظر من رای مخفی بوده و هر نماینده توانسته رای مورد نظر خود را بدهد.

◀ **چرا با وجود فشارها در مجلس احمد امیر آبادی، نماینده قم، به استعفا‌ی آقای زاکانی منفی داد؟**

پیشتر اگر اتفاقی از این دست رخ می‌داد و نماینده‌ای ناچار به ترک کرسی خود بود، ابتدا به آن شهر می‌رفت و در نماز جمعه یا جای دیگری که سخنرانی در آن امکان‌پذیر باشد با مردم سخن می‌گفت و ارتباط برقرار می‌کرد. نماینده در آن سه سخنرانی این پیام را به مردم می‌داد که می‌خواهد با کسب اجازه از این افراد، که برای مدت چهار سال به او رای داده‌اند، به دلیل مسأله پیش آمده و نیاز به وجود او در جای دیگر، کرسی را ترک کند. متأسفانه در این مورد با وجود اینکه رفتن آقای زاکانی قطعی بود اما پیشتر نزد مردم نرفتند. با وجود در دست نداشتن عدد و رقم مشخص، می‌دانیم مردم قم با این تصمیم

جوادامام مطرح کرد:

کابینه معرفی شده شبیه کابینه سوم احمدی‌نژاد

یک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص ارزیابی خود نسبت به کابینه معرفی شده از سوی سید ابراهیم رئیسی، اظهار داشت: این کابینه بیشتر شبیه کابینه سوم احمدی‌نژاد است؛ به هر حال آقای رئیسی شعار مستقل بودن داده بود در صورتی که کاملاً مشخص بود که دست‌فرمان ایشان اصولگرایی است و باین لیستی که معرفی شد مملانشان داد که کابینه ایشان وجه اشتراک خیلی جدی با کابینه احمدی‌نژاد دارد. چه اینکه برخی از آنها وزرای احمدی‌نژاد بودند، رئیس تیم اقتصادی که اکنون رئیس سازمان برنامه و بودجه است، وزیر احمدی‌نژاد بوده، تعدادی دیگر با وزیر بودند با معاون وزیر با تعدادی از اصولگرایان تندروی مجلس دهم هستند. جواد امی گفت: اگر چه هیچ انتظاری هم کسی نداشت که آقای رئیسی غیر از این عمل کند، اما ایشان خودش مدعی بود که می‌خواهد از همه ظرفیت‌های کشور فارغ از دسته‌بندی‌های سیاسی استفاده کند. خب آن چیز که در واقع انتظار می‌رفت اتفاق افتاد ولی با توجه به چالش‌هایی که پیش روی دولت است، این تیم چندان به‌نظر نمی‌رسد که نیم مسلط و قوی باشد و خب خیلی از افرادی که مطرح هستند، مثلاً برای بانک مرکزی یا حوزه‌های دیگر افرادی هستند که در دوره آقای احمدی‌نژاد هم حضور داشتند. دبیر کل حزب مجمع ایثارگران اصلاح طلب بیان کرد: به‌نظر می‌رسد سید یار دولت آقای رئیسی با چهره‌های شاخص دولت آقای احمدی‌نژاد رقم خورده، حالا باید منتظر باشیم تا ببینیم که مجلس چگونه بر خور خواهد کرد. مثلاً در مورد کسی که به عنوان وزیر آموزش و پرورش معرفی شده، واقعا یک وزارتخانه با این چهره چالش‌ها و مشکلات و وضعیت مدیریتی به ویژه آسببی که در این دوره کرنا به آن وارد شد، نمی‌دانم ایشان با چه استدلال و توجیهی معرفی شده‌اند یا در وزارت کشاورزی، معاون وزیر نیرو در دولت اصلاحات با اشاره به وزیر پیشنهادی این وزارتخانه، ابرار داشت: همچنین در وزارت نیرو آقای محرابیان هیچ ارتباطی نه در حوزه آب داشته‌ند نه در حوزه برق داشته و نه بدنه وزارت نیرو ایشان را می‌شناسد. وزارت نیرو تعداد زیادی افراد مدیر کار کشته و با تجربه دارد، یکی از ویژگی‌های وزارت نیرو این است که خودش توانسته کادر سازی در حوزه‌های آموزش و مدیریت داشته باشد، اما به یکباره فردی معرفی می‌شود آن هم با یک پرونده اختراع تقلبی که منجر به صدور حکم شده است؛ واقعا قضاوت رچال بوده که مثلاً نتوانند از همان جریان اصولگر افراد مناسب‌تری را انتخاب کنند؟ وی ادامه داد: ما انتظار مدیر غیر اصولگرا نداریم، البته براساس شعارهایی که آقای رئیسی مطرح کرد، بعضی‌ها که خیلی آشنا نبودند به فضای سیاست شاید فکر می‌کردند این شعارها قرار است عملی شود اما آنهایی که آشنا بودند به این فضا با توجه به فضای انتخابات این موضوعات قابل پیش بینی بود. امام در ادامه ضمن آرزوی موفقیت برای دولت سید ابراهیم رئیسی عنوان کرد: من فکر می‌کنم این فضا نه تنها هنوز هیچ امیدی را ایجاد نکرده بلکه این روند نگران‌کننده است. امیدواریم که دولت آقای رئیسی توفیق پیدا کند و بتواند موفق شود چون با توجه به مشکلاتی که اکنون پیش روی کشور وجود دارد، بعداً است که آقای رئیسی بتواند با این تیم کاری را از پیش برد. این تیمی که ما از ایشان دیدیم، دولتی نیست که بتواند مشکلات فائق بیاورد. وی افزود: اینطور نیست که ما فکر کنیم آقای رئیسی تحت فشار نبوده است، چون این کابینه با توجه به شرایط کشور و نارضایتی که در جامعه وجود دارد و عدم مشارکت بیش از ۵۰ درصد از مردم در انتخابات، چیده شده است، انتظار این است که آقای رئیسی متفاوت عمل کند و صدای بیش از نیمی از جامعه که در انتخابات رأی ندادند را هم شنیده باشد.

روی خط

حسین دانایی فر:

ایران از نشست عراق استقبال می‌کند

سفر پیشین ایران در عراق در واکنش به دعوت نخست‌وزیر عراق از مقامات کشورمان برای شرکت در نشست به حضور برخی از نمایان‌های عراقی، گفت: عراق به دو دلیل اصرار بر این کار دارد؛ اول مستعد است که هر چقدر در پیرامون عراق آرامش بیشتری برقرار باشد در روند داخلی این کشور نیز تأثیرگذار خواهد بود. حسن دانایی‌فر، ایدعظمت‌دار عراقی، افزود: یک راه چاره که بتوانند مسائل عراق را به یک آرامش و ثبات قابل قبول برسانند، سیاستمداران عراقی دنبال این هستند که روابط کشورهای پیرامونی را بهبود بخشند. این افزود: این ایده نیز، ایده جذابی نیست. از دوره دوم مالکی و همچنین حیدر العبادی، عبدالعهدی، صالح وزیر امور خارجه این کشور همگی بر این ایده برای تأمین امنیت داخلی تصریح دارند. سفر پیشین کشورمان در عراق افزود: نکته دوم این است که عراق از این نشست به عنوان یک دستاورد استفاده می‌کند که بتواند جایگاه و نقش منطقه‌ای خود را ارتقا دهد. وی ادامه داد: همچنین با توجه به نشست به جانبی‌های که با حضور عراق، مصر و اردن برگزار شد، آقای الکاظلی به دنبال این است که جایگاه سنتی عراق را در معادلات جهان غرب و در ارتباط با قبایل عرب جایگاه ویژه‌ای را به دست آورد. دانایی‌فر تأکید کرد: ایران از این تفکر و رفتار عراق استقبال می‌کند زیرا منطقه نیاز به همکاری و تفاهم بیشتر دارد. این دیپلمات سابق کشورمان بیان کرد: اما یک سوالی که وجود دارد این است که آیا مشکلات بین کشورهای منطقه با برگزاری یک نشست حل خواهد شد؟ و اینکه با چه مکانیزمی می‌خواهند مشکلات بین ایران، عربستان و ترکیه را حل کنند، آیا سوال دارد. وی عنوان کرد: لذا امیدوارم این صرفاً یک نشست تشریفاتی نباشد. هر چند برای این نیز صرفاً یک نشست تشریفاتی دارای دستاورد خواهد بود و برای کم کردن تنش‌ها نیز بی‌تأثیر نیست. دانایی‌فر در خصوص سطح حضور احتمالی مقامات کشورمان در این نشست تصریح کرد: رئیس جمهور کشورمان اشاره داشت که ما علاقه‌مند هستیم به اینکه این نوع نشست‌ها برگزار شود و به صلح منطقه کمک کند، اما باید ببینیم سایر کشورها در چه سطحی حضور خواهند کرد. سفر پیشین ایران در عراق همچنین در واکنش به حضور احتمالی کشورهای منطقه‌ای مانند فرانسه، در این نشست تأکید کرد: من فکر می‌کنم حضور بیگانگان در این نشست منجر به انحراف از اصل موضوع خواهد شد. روابط ترکیه و فرانسه خوب نیست و فرانسه به عنوان یک مجموعه بی‌طرف در موضوعات غرب آسیا رفتار نمی‌کند. لذا بهتر است این نشست صرفاً با حضور کشورهای منطقه باشد.